

## بررسی تطبیقی سیمای حضرت زینب و حضرت عباس علیهما السلام در شعر معاصر ایران و لبنان

دکتر سید مهدی نوری کینقانی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۳۰

### چکیده

میان ایران و سرزمین لبنان پیوندها و اشتراکات فرهنگی و مذهبی عمیقی وجود دارد که سرچشمه اصلی آن شیعه بودن بخشی از ساکنان دو منطقه و ریشه دار بودن اندیشه‌های شیعی در آن‌ها است. یکی از موضوعاتی که می‌توان در ادبیات دو منطقه به صورت تطبیقی بررسی نمود عاشورا و مضامین عاشورایی است در دوره معاصر جنگ‌های جنوب لبنان و مقاومت حزب‌الله در آن و نیز انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در ایران باعث شد که در ادبیات مقاومت هر دو منطقه توجه و گرایش خاصی به ادبیات عاشورایی شکل گیرد. در این مقاله با روش تحلیل محتوا و تطبیق داده‌ها به بررسی تطبیقی سیمای دو قهرمان عاشورا؛ یعنی حضرت عباس علیه السلام و حضرت زینب علیهما السلام در شعر معاصر دو منطقه پرداخته شده است. در ارزیابی کلی می‌توان گفت شاعران هر دو منطقه قسمتی از سروده‌های عاشورایی خود را به توصیف این دو شخصیت بزرگوار اختصاص داده‌اند اما در مجموع شاعران معاصر ایران به لحاظ کمی بیشتر به این دو شخصیت عظیم پرداخته‌اند و سروده‌های آن‌ها از شور، احساس و عاطفه بیشتری برخوردار است.

**کلیدواژگان:** شعر معاصر، ایران، لبنان، حضرت زینب و عباس علیهما السلام، بررسی تطبیقی.

۱. استادیار دانشگاه حکیم سبزواری (Seyyed1221@yahoo.com)

در حوزه ادبی و فرهنگی میان ایران و لبنان خاصه منطقه شیعه نشین آن؛ یعنی جبل عامل پیوند دیرین و محکمی وجود دارد. جبل عامل منطقه‌ای است در جنوب لبنان مشرف بر دریای مدیترانه که شامل شهرهای صور، صیدا، بنت جبیل و... است (امین ۱۹۷۵: ۲۵). این شهر از قدیم به داشتن ساکنان شیعه و فرهنگ شیعی معروف است و برخی بنیان‌گذار تشیع در آن را صحابی جلیل ابوذرفغاری می‌دانند (امین، ۱۴۰۳: ۲۳۸). افزون بر این، علمای جبل عامل امثال شیخ بهایی و... در تثبیت پایه‌های تشیع در ایران نیز نقش مهمی داشته‌اند (نورالدین: ۱۸).

با توجه به این که ساکنان جبل عامل شیعه‌نشین هستند و اشتراکات دینی و اعتقادی زیادی با مردم ایران دارند، در حوزه ادبیات نیز مضامین مشابه فراوانی در سروده‌های مذهبی و سیاسی - اجتماعی دو منطقه وجود دارد. یکی از این حوزه‌های مشترک عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام است که در ادبیات معاصر هر دو منطقه بازتاب گسترده و بارزی دارد. در این مقاله سعی شده به شیوه تطبیقی به بررسی سیمای دو قهرمان اصلی کربلا پس از امام حسین علیه السلام؛ یعنی حضرت عباس علیه السلام و زینب کبری علیه السلام در سروده‌های معاصر دو سرزمین پرداخته شود. علت نپرداختن به سیدالشهدا علیه السلام آن است که پیرامون شخصیت ایشان در شعر معاصر فارسی و عربی به طور مجزا و فراوان در دیگر کتاب‌ها و مقالات بحث شده است و در صورت پرداختن هم پوشانی میان مقاله ما و آن آثار به وجود می‌آمد.

### پیشینه پژوهش

در موضوع مورد بحث به کتاب یا مقاله مستقلی دست پیدا نکردیم، اما در مقیاس کلی‌تر، کارهایی درباره تطبیق شعر عاشورایی فارسی و عربی انجام شده که عبارتند از: - دانش‌نامه شعر عاشورایی، ج ۱ شاعران عرب، ج ۲ شاعران فارسی، دکتر مرضیه محمدزاده، ۱۳۸۳.

- عاشورا در آئینه شعر معاصر، دکتر نرگس انصاری، ۱۳۸۹.

- حسین زبانی دیگر، دکتر نرگس انصاری، ۱۳۹۲ ش. مؤلف محترم در این کتاب به



ترجمه و تحلیل شعرهای حسینی در ادبیات معاصر عربی پرداخته است و از شاعران لبنان تنها «العلائلی» و «جورج شکور» را ذکر نموده است. در این کتاب شعریا قصیده‌ای که مرتبط با موضوع ما باشد نیافتیم.

- «السيدة زینب فی مرآة شعر عاشوراء المعاصر»، از طیبه سیفی و نرگس انصاری؛ مجله/انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، تابستان ۹۳. درباره مقاله مذکور باید گفت هم چنان که از عنوان آن هویدا است مؤلفان ارجمند به طور عام تمام کشورهای عربی را مد نظر قرار داده‌اند و نیز تمرکز بیشتری بر شاعران عراق داشته‌اند که با کارما که متمرکز بر روی لبنان است، تفاوت دارد. افزون بر این، هیچ بیت و شاهد مشترکی میان مقاله ما و مقاله مذکور وجود ندارد. نکته سوم آن که مقاله حاضر افزون بر شخصیت حضرت زینب علیها السلام، به حضرت عباس علیه السلام هم پرداخته است.

- «تحلیل تطبیقی برخی مضامین عاشورایی در شعر معاصر ایران و جبل عامل»، سید مهدی نوری کیندقانی و فرشته زارعی، ادبیات تطبیقی، زمستان ۹۶. در مقاله مذکور نیز هرگز صحبتی از حضرت زینب و حضرت عباس علیهما السلام به میان نیامده است.

## ۲. بررسی تطبیقی سیمای حضرت زینب و حضرت عباس علیهما السلام در شعر معاصر دو منطقه

### ۲-۱. حضرت زینب علیها السلام

از جمله شخصیت‌هایی که پس از امام حسین علیه السلام، بیشترین قسمت اشعار عاشورایی فارسی و عربی را به خود اختصاص داده، حضرت زینب علیها السلام است؛ بانویی که پس از واقعه خونین دشت نینوا پس از تحمل سختی‌ها و مصیبت‌های فراوان، یکه و تنها رودر روی طاغوت سرمست از پیروزی قرار گرفت اما از پای نیفتاد و پیام آورد دشت نینوا شد. ایشان با خطبه‌های خویش در کوفه و شام پرده‌های جهل و عوام‌فریبی را کنار زد و تار و پود نظام استبدادی را از هم گسیخت.

با کاوشی که در شعر معاصر هر دو سرزمین به عمل آمد معلوم شد که در مقیاس کلی و به طور مجموع شاعران معاصر ایران به لحاظ کمی و کیفی بیشتر به شخصیت حضرت

زینب علیها السلام پرداخته‌اند. هرچند در میان شاعران لبنانی افرادی مثل «سعید العسیلی» هستند که منظومه‌ای بلند و جداگانه پیرامون حضرت زینب علیها السلام سروده‌اند. شاعران ایرانی و لبنانی در تبیین شخصیت حضرت زینب علیها السلام به مصائب و سختی‌ها، دلاوری و شجاعت وی در برابر ستمگران، صبر و شکیبایی، بلاغت و سخنوری، حیا و عفت و ظلم‌ستیزی ایشان اشاره کرده‌اند. در ادامه به مهم‌ترین مضامین مشترک در شعر دو منطقه می‌پردازیم.

### ۱-۱-۲. زینب علیها السلام یادآور حضرت علی علیه السلام و زهرا علیها السلام

از نقاط مشترک شعر شاعران ایرانی و شاعران لبنانی این است که این شاعران صفات و حالات حضرت زینب علیها السلام را یادآور صفات حضرت علی علیه السلام می‌دانند و بیش از همه شجاعت و بی‌باکی، بلاغت و سخنوری ایشان را به امیر مؤمنان علی علیه السلام مانند می‌کنند. از نظر «عسیلی» حضرت زینب علیها السلام دریای سخنوری است که طوفان آن را متلاطم کرده است و خطبه‌هایش یادآور خطبه‌های امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام است:

قَالَتْ وَمَنْطِقُهَا يَفِيضُ كَأَنَّهُ      بَحْرُ الْبَيَانِ دَوَىٰ بِهِ الْإِعْصَارُ  
وَكَأَنَّهَا هِيَ بِالْفَصَاحَةِ فَاطِمٌ      أَوْ حَيْدَرٌ وَهُوَ الْفَتَى الْكَرَّازُ<sup>۱</sup>

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۵۲۵)

«سیمین دخت وحیدی» شاعره معاصر ایرانی حضرت زینب را وارث زبان و فصاحت امام علی علیه السلام می‌بیند که با خطبه‌های بلیغ خود یزید و یزیدیان را رسوا می‌کند: دشمن از نطق علی و ارت به خود لرزد چون بید

سامری رسوا شود با معجزه موسایی‌ات

(گلمرادی، ۱۳۷۸: ۲۱۵)

«محمد خلیل جمالی» حضرت زینب علیها السلام را شیر خدا می‌خواند:

۱. سخن‌گفت: وکلامش خروشان و جوشان بود. گویی دریای بیان و سخنوری است که تندباد در آن طنین افکنده است فصاحت سخنش بمانند فصاحت سخن فاطمه علیها السلام و هنگام نبرد و حمله، حیدر کرار علیه السلام است.

مبرهن آیت عز و جلال کبریا، زینب علی شیر خدا را شبل در قاب ولا زینب  
(مردانی، ۱۳۷۷: ۳۱)

«علی انسانی» حضرت را در بلاغت «علی دوم» می داند:

در فصاحت مصحف سرمعانی زینب است

در بلاغت گر علی را هست ثانی زینب است

(عدنانی، ۱۳۹۰: ۳/۱۸۱)

«حسین اسرافیلی» زبانش را در مدح حضرت زینب علیها السلام ناتوان و عاجز می بیند و  
خطبه های وی را در اثرگذاری به تیغ برنده امام علی علیه السلام تشبیه می کند:

خواهری داری فراتر از شکوه در مدیح او زبانم الکن است

زینبی داری که چون تیغ علی خطبه اش حیرت فزای دشمن است

(ترکمانیان، ۱۳۸۸: ۲۱)

«مرتضی آل شراره العاملی» نیز حضرت علیها السلام را در سخنوری و شکیبایی به امام علی علیه السلام و

در تقدس و عفاف به مادرش حضرت زهرا علیها السلام مانند می کند:

هی حیدر بکلامها و بصبرها وهی البتول بخدرها و صلاتها

#### ۲-۱-۲. اندوه و رنج حضرت زینب علیها السلام

اندوه و مصیبت های وارده بر حضرت زینب علیها السلام در واقعه کربلا، یکی از موضوعات به کار  
رفته در شعر شاعران است. و آنچه در شعر شاعران در مورد مصائب حضرت زینب  
مشترک است، این است که همگی بر این عقیده اند که زینب کبری علیها السلام را از این مصائب و  
سختی ها هراسی نیست و به جای آن که غم و اندوه حضرت را از پای در بیاورد، او غم و  
اندوه را درهم شکسته و از پا در آورده است.

«عسیلی» غم و اندوه در وجود حضرت زینب را به شعله های آتش تشبیه

می کند که وجود ایشان را می سوزاند و شعله می کشد و آن چنان این غم و اندوه را  
سنگین می بیند که اگر این مصائب بر کوه وارد می شد کوه توان و طاقت این همه مصیبت  
را نداشت:

وَالْحُزْنَ مَا بَيْنَ الضُّلُوعِ كَأَنَّهُ      نَارٌ تَتَّوَرُّ وَجَمْرُهَا يَتَأَهَّبُ  
وَلِوَالِجِبَالٍ رَأَتْ مُصِيبَةَ زَيْنَبٍ      لَتَصَدَّعَتْ مِمَّا رَأَتْهُ زَيْنَبٌ<sup>۱</sup>

(عسلی، ۱۹۸۶: ۵۳۰)

«علی موسوی گرمارودی» غم و اندوه و مصائب را، ناچیز و ناتوان تر از آن می بیند که دخت علی علیها السلام را بتواند از پای در بیاورد بلکه این زینب است که با ایستادگی خویش قامت غم را درهم می شکند:

خواست که غم دست تو بندد ولی      غم که بود در بردخت علی  
قامت تو، قامت غم را شکست      دخت علی را نتوان دست بست

(محمدزاده، ۱۳۸۹: ۳۱۶)

«هاشم الموسوی» صدیقه صغری را با پستی خمیده و اندوهناک به تصویر می کشد که اندوه قامتش را به لرزه افکنده:

وَمَحْنِيَةُ الظَّهْرِ مَكْرُوبَةً      فَقَدْ زَلَزَلَ الْكَرْبُ أَرْكَانَهَا

«شیما تقیان پور» حضرت زینب علیها السلام را در روز عاشورا زخمی ترین شانه می داند که غم و اندوه زیادی را تحمل می کند و او را تنها «زن مرد تاریخ» می داند: بردوش من می نشیند یک کهکشان عشق بی سر

زخمی ترین شانه هستم در روز میلاد خنجر

اینک منم ای حسین این تنها، زن مرد تاریخ  
تنها کسی که به دوشش نعش غریبی است بی سر

(گلمرادی، ۱۳۷۸: ۵۰)

«حسن آل حطیط العاملی» به مصائب عظیم زینب از جمله آوارگی زنان و دخترکان، سرهای بریده و سینه های شکسته، سپس شکیبایی و نستوهی حضرت علیها السلام در مقابل این ها همه و این که جز زیبایی هیچ ندیده است اشاره می کند:

۱. اندوه در وجود حضرت زینب، گویی آتشی برافروخته است که گدازه هایش شعله برمی کشند. اگر کوه ها مصائب وارده بر حضرت زینب را می دیدند، از هم متلاشی می شدند.



«لقد رأيت ما رأيت .. / ما رأيت إلا جميلاً! / رأيت النساء مشردات / رأيت الرؤوس مقطعات / رأيت الصدور مهشّمت / ما رأيت إلا جميلاً!»

«قیصر امین پور» چشمان حضرت را از شدت گریه رنجور می بیند و در تصویری استعاری و زیبا صبر را در برابر شکیبایی حضرت خسته می یابد:

دو چشم از گریه هم چون ابر خسته      زدست صبر زینب، صبر خسته  
«حسن دلبری» نیز در تصویر بدیع و زیبا حضرت علیها السلام را ستاره ای می بیند که در کهکشان درد مورد غبطه خورشید است:

زینب ستاره ای است که در کهکشان درد      خورشید بر صداقت او غبطه می خورد  
الماس پاره ای که در اقلیم روشنان      آینه بر اصالت او رشک می برد  
(دلبری، ۱۳۸۱: ۹۲)

### ۲-۱-۳- پارسایی و عظمت معنوی حضرت زینب علیها السلام

یکی از فضایل حضرت زینب علیها السلام پارسایی، عظمت روحی و معنویت خاص ایشان است. بی شک القابی چون «عقیلة الوحی»، «عابدة آل علی»، «الکاملة»، «سيدة العقائل» ... (نک: رحمانی همدانی، ۱۳۸۱ ش: ۸۵۵ و ۸۵۶) بر همین مقام معنوی شامخ ایشان دلالت دارد و شاید از همین رو برخی بزرگان به عصمت قائل شده اند. (نک: النقدي، ۶۲ - ۶۳).

این عظمت روحی و مقام معنوی حضرت علیها السلام در شعر شاعران دوسرزمین جلوه گر آمده است. «قیصر امین پور» از این که بانویی هم رتبه پیغمبران گشته به شگفت می آید:

زنی، خون خدایی را پیامبر      زن و پیغمبری؟ الله اکبر!

شاعر لبنانی «هدی میقاتی» به عبادت و نماز حضرت با وجود خستگی و رنجوری در اثر مصائب عاشورا، اشاره کرده و می گوید:

نَبَتٌ وَقَامَتْ تُصَلِّي حُرَّةً أَنْفَت      أَنْ يَنْحَنِي رَأْسَهَا إِلَّا لِبَارِيهَا

(میقاتی، ۲۰۱۳: ۱۵۶)

«حسین اسرافیلی» حضرت را مفهوم عرفان و بهترین مظهر کشف و شهود می داند:

زینب آن مفهوم عرفان و سجود      بهترین آینه کشف و شهود  
 (هاشمی و کریمی، ۱۳۸۹: ۷۶۹)

«مرتضی آل شرارة العاملی» حضرت علیها السلام را چنان عظیم می بیند که در تمام عصور نه تنها در میان زنان بلکه در میان مردان هم چون حضرتش نیست:

فخر النساء و حقهن فلیس فی      جلّ الرجال بکل عصر زینب  
 (سایت شعراء أهل البيت)

«غلام رضا قدسی» مقام حضرت را چنان بالا می بیند که قدسیان خدمت گزار اویند:

قدسیان خدمت گزار درگهش      توتیای چشم جان خاک درش  
 (هاشمی و کریمی، ۱۳۸۹: ۷۶۹)

#### ۲-۱-۴. ظلم ستیزی و عزت حضرت علیها السلام

یکی از جنبه های شخصیتی حضرت زینب علیها السلام ظلم ستیزی و ایستادگی در برابرستم و طغیان است؛ ویژگی که باعث شد حضرت علیها السلام الگوی زنان و مردان آزاده و مبارز هر دو سرزمین ایران و لبنان گردد.

«امیرعلی مصدق» کوفه را از هیبت حضرت لرزان می بیند و در ظلم ستیزی حضرت را هم رتبه سیدالشهدا می داند:

صیحه ای بود آسمانی خطبه ات      کیست جز خون خدا هم رتبه ات  
 کوفه می لرزید زیر پای تو      سرنی شد آشکار از نای تو  
 (همو: ۷۷۸)

«حسن آل حطیط العاملی» حضرت علیها السلام را مایه عزت ما می داند و با توجه به اوضاع آشفته لبنان از ایشان می خواهد که غل و زنجیر را از گردن ها برکنند و مردم را از این زندگی خفت بار و چنگال زورگویان رهایی بخشد:

«بالله مولاتنا... مری بنا / ولتمسحی الأحزان .. عن عمرنا / بالله یا عرّنا.. مری بنا / و انزعی الأغلال .. عن صدرنا / و اسألی الآهات .. عن کل ما یجری .. بعیشنا المذری / علی درب الطغاة! / و کل ما نلقی .. بعمرنا الملقی / علی باب البغاة!!» (سایت شعراء





أهل البيت (http://www.shoaraa.com)

«مرتضى آل شراة العاملى» نیز معتقد است حضرت علیه السلام بوى خوش عزت و ابا را در زندگی پخش نمود و در صبر و استقامت معلم کوه ها گردید:

عَبَقْتُ إِبَاءً فِي الْحَيَاةِ وَعَلَّمْتُ صَلَدَ الْجِبَالِ بِصَبْرِهَا وَثَبَاتِهَا  
وَحَطَّتْ عَلَيَّ صَدْرُ الزَّمَانِ فَنَالَهُ أَسْمَى وَسَامِ الْمَجْدِ مِنْ خَطَوَاتِهَا

(همان)

«سید حسن حسینی» هرگونه عجز و درماندگی را از حضرت علیه السلام نفی می کند و ایشان را مایه عزت و آبرو برای زن در طول عصرها و قرن ها می داند:

شاعران بیچاره / شاعران درمانده / شاعران مضطر / بانام توجه کردند / تاریخ زن آبرو می گیرد / وقتی پلک صبوری می گشایی / و نام حماسی ات بر پیشانی دو جبهه نورانی می درخشد: زینب... (حسینی، ۱۳۸۶: ۶۵).

«حسن آل حطیط العاملى» عقيله بنى هاشم را سرچشمه اراده و استقامت و وارث امام على علیه السلام و حضرت زهرا علیه السلام می داند:

«يا نداء القلب.. يا عين العزائم / أين منك الورى يا دمة الطهرين!؟ / يا بضعة الزهراء.. يا مهجة الكرار / أنت النجوم بكل ما ازدانت من الأنوار!» (سایت شعراء أهل البيت (http://www.shoaraa.com)

«عباس على فتونى» حضرت علیه السلام را کوهی مقاوم می داند که جامه ای از کبریا بر تن دارد:  
صَمَدَتْ كَطَوْدٍ شَامِخٍ وَ تَزَيَّنَتْ بِالْكَبْرِيَاءِ

(همان)

و نکته پایانی این که هم شاعران ایرانی حضرت زینب علیه السلام را الگوی شهیدان انقلاب، جنگ تحمیلی و شاعران لبنانی نیز ایشان را الگوی مبارزان جنوب لبنان می دانند و سعی در پیوند میان عاشورای ۶۱ هجری و حوادث کنونی کشورشان دارند.

«سید حسن حسینی» شهیدان را زنده کننده رسالت امام حسین علیه السلام می داند که نام مقدس زینب علیه السلام را بر لب داشتند:

با زمزمه سرود یا رب رفتند      چون تیرشهاب در دل شب رفتند  
تا زنده شود رسالت خون حسین      با نام شکوهمند زینب رفتند  
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

شاعران لبنان نیز حضرت علیه السلام را الگوی رزمندگان و پایداران می‌داند. «هاشم الموسوی» از انقلابیون فراوانی یاد می‌کند که به راه زینب علیه السلام رفتند:

علیُّ الطهرُ رَبِّبَاكِ      وکم سارَ علی در بکِ ثوَابِ  
(سایت شعراء أهل البيت)

## ۲-۲. حضرت عباس علیه السلام

عباس در فرهنگ «جبهه رفته‌ها» به عنوان یک «نماد مقدس عاشورایی» شناخته می‌شود که توانسته است این مقوله‌های ارزشی را بیش از دیگر «شهدا» به منصفه ظهور درآورده و جهانی را در برابر عظمت روحی خود به تکریم وا دارد. (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۲۸۴)

اشعاری که شاعران معاصر ایران پیرامون حضرت عباس علیه السلام سروده‌اند به لحاظ کمی چندین برابر شاعران لبنانی است. البته این نظر نیاز به جستار بیشتر و دقیق‌تر دارد، اما در دیوان‌ها و مجموعه‌های شعری عربی که نزد نگارنده است حجم اشعاری که پیرامون حضرت ابوالفضل علیه السلام و دیگر بنی‌هاشم و اصحاب سروده شده بسیار کم‌تر از شخصیت سیدالشهدا علیه السلام است. این در حالی است که حضرت عباس علیه السلام قسمت اعظم شعر عاشورایی معاصر ایران را به خود اختصاص داده است. شاعران ایرانی در توصیف این شخصیت بی‌نظیر به تمام ابعاد شخصیتی ایشان پرداخته و هیچ بعدی را فرونگذاشته‌اند. فداکاری، وفاداری، شجاعت، ایثار، ادب، غیرت، کرامت، استقامت، زیبایی... از جمله خصوصیات آن حضرت است که شاعران به آن پرداخته‌اند.

از آنجا که مقصود ما بیشتر یافتن مشابهت‌های شاعران دوسرزمین پیرامون حضرت عباس علیه السلام است به مهم‌ترین مضامین مشابه اشاره می‌کنیم.

## ۲-۲-۱. شجاعت عباس علیه السلام

شجاعت یکی از خصوصیت‌های بارز حضرت عباس علیه السلام است و هر زمان نامی از

حضرت عباس علیه السلام برده می شود، شجاعت و دلاوری این حضرت نیز به ذهن خطور می کند، به طوری که گویی شجاعت با نام حضرت علیه السلام قرین است؛ و کم تر شاعری است که به شخصیت ایشان پردازد و از شجاعت وی سخن به میان نیاورد.

«عسلی» در توصیفی متفاوت با دیگر شاعران، حضرت علیه السلام را به آتش فشان، طوفان، زلزله و رعد و برق تشبیه می کند:

بُرْكَانٌ نَارٌ هَاجَ فِي الْمَضْمَارِ      أَوْ عَاصِفَاتُ الرِّيحِ فِي الْأَعْصَارِ  
 أَمْ أَنَّ تِلْكَ زَوَابِعَ وَ زَلْزَلٍ      وَ صَوَاعِقُ تَزْمِي لَهَيْبِ شَرَارِ

(عسلی، ۱۹۸۶: ۵۰۲)

«جلیل دشتی» در تعبیری مشابه درباره شجاعت حضرت عباس علیه السلام او را به طوفانی تشبیه می کند که در میدان نبرد چنان می تازد که بیابان هم از این دلاوری به شگفت می آید:

این جوان کیست که در قبضه او طوفان است

آسمان زیر سم مرکب او حیران است

پنجه در پنجه آتش فکند، گاه نبرد

دشت از هیبت این معرکه سرگردان است

(مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۵۶)

اگر در شعر عاشورایی گذشته حضرت عباس را به استواری کوه و عظمت دریا مانند می کردند، در شعر عاشورایی امروز، کوه و دریا را باید در استواری و عظمت، به او تشبیه کرد آن هم با دو پیش شرط اساسی که وقوع آن غیر ممکن است و آن این که این دو به حرکت در آیند، چرا که در فرهنگ عاشورا کوه ساکن و دریای بی حرکت راه ندارد و این رفتار و خیزش است که به آن دو، معنا و مفهوم خاصی می بخشد:

(مجاهدی، ۱۳۷۹: ۲۸۹)

۱. آتش فشانی در میدان فوران کرده یا تند بادی سهمناک وزیدن گرفته؟ یا این که گردباد یا زلزله و یا آذر خشی آتش فروز خ داده؟

از قهر تو، شاهین قدر پرریزد      وز هیبت تو، شیر قضا بگیریزد  
ماند به تو کوه، اگر به رفتار آید      دریا به تومی ماند، اگر بر خیزد  
ماند به تو خورشید، اگر بخروشد      ماند به تو شیر، اگر که شمشیر زند

(قزوه، ۱۳۸۶: ۱۳)

«حسن آل حطیط العاملی» اراده پولادین حضرت عباس علیه السلام را مایه ثبات زمین می‌داند:

«أنا القمرُ / الذی عزمُهُ / ثبات هذی الأرض / قد سکن فی شریانها! / ونزف فی الجزرو المدّ / لیحتوی طوفانها!» (سایت شعراء أهل البيت)

در شعر شاعران ایرانی همواره شجاعت و دلیری حضرت عباس علیه السلام به امام علی علیه السلام مانند می‌شود و او این دلاوری و شجاعت را از علی علیه السلام به ارث برده است.  
«قاسم مرام» چنین می‌سراید:

یعنی علی پا در رکاب جنگ دارد      حیدر به قتل مشرکین آهنگ دارد  
تیغ علی در دست عباس است این جا      مه، محو چشم مست عباس است این جا  
(کاروانی...، ۱۳۷۴: ۸۳)

«احد چگینی» از حضرت عباس علیه السلام در میدان جنگ با نام مرد بی‌زرهی یاد می‌کند که آئینه حسین و تکرار دوباره حیدر است؛ مردی که از شدت زخم‌های بدنش در خون خود شناور بود، ولی از پا نمی‌نشست:  
این تیغ بی‌نیام، این مرد بی‌زره      آئینه حسین، تکرار حیدر است  
در سرخی غروب، خورشید روشنی      در خون نشسته بود، از پا نمی‌نشست  
(مجاهدی، ۱۳۷۹: ۲۹۷)

#### ۲-۲-۲. مقام معنوی حضرت علیه السلام

از ویژگی‌های قمر بنی‌هاشم داشتن فضایل اخلاقی والا، عظمت روحی و مقام شامخ ایشان است که با جانبازی در راه برادرش، این مقام به اوج رسید. چنان‌که امام سجاد علیه السلام فرمود:

إن للعباس عند الله تبارك وتعالى لمنزلة يغبطه بها جميع الشهداء يوم القيامة.  
(صدوق، ۱۳۶۲: ۶۸ / ۱)

«حمیدرضا شکارسری» در توصیف عظمت و بزرگی حضرت عباس علیه السلام، شگفتی خود را چنین مطرح می‌کند، این که حضرت عباس علیه السلام باشد و در شمار چهارده معصوم نباشد و این بزرگ‌ترین و شگفت‌ترین معمای تاریخ بشری خواهد بود:  
تا ابد / بزرگ‌ترین معمای تاریخ این خواهد بود / این که تو باشی / و سلسله جبال نور / فقط چهارده قله داشته باشد. (شکارسری، ۱۳۷۵: ۳۹)

«غلام‌رضا سازگار» کرامت، شهامت و عظمت را وام‌دار علم دار کربلا می‌داند:  
کرامت: قطره آبی از یم اوست      بزرگی: خاکسار مقدم اوست  
شجاعت: آفتاب عرصه رزم      شهامت: سایه‌ای از پرچم اوست  
(مجاهدی، ۱۳۷۹: ۳۰۰)

از نظر «هاشم الموسوی» تمام مکارم به کشتی نجات حضرت پناه می‌برند و در صورت جدا شدن از ایشان بیم غرق شدن دارند:  
كُلُّ الْمَكَارِمِ قَدْ أَمَّتْ سَفِينَتَهُ      تخشى إذا انتبذت يجتاحها الغرقُ  
«خسرو احتشامی» از اوج گذشت و کمال کرامت می‌گوید:  
دستت به موج، داغ حباب طلب گذاشت

اوج گذشت دید و کمال کرامت، آب  
(مجاهدی: ۲۹۳)

«سعید العسلی» در تعابیری زیبا، اوج فضیلت، شرافت، عزت و صداقت را در عباس علیه السلام می‌بیند:

والفضل أنى كان كنت أباه      و براحتیک الجودُ والإفضالُ  
والمجدُ يطلب من بنانك رفعةً      والعزَّان جاورته يخالُ  
والصدق يطلب منك تزكية إذا      أعياه في صدق الحديث مقالُ

(عسلی، ۱۹۸۶: ۴۸۵)

او در جای دیگر اوصاف عباس علیه السلام را فراتر از آن می‌داند که در شعر و مدح بگنجد:  
عباس لا یحصی صفاتک شاعرٌ أبداً ولا یرقی إلیک مدیحٌ  
(همان: ۴۹۲)

### ۲-۲-۳. زیبایی حضرت علیه السلام

توجه به زیبایی حضرت عباس علیه السلام یکی دیگر موضوعاتی است که شاعران هردو منطقه بدان توجه داشته‌اند. البته در این زمینه نیز شاعران ایرانی بسیار بیشتر طبع آزمایی و تصویر آفرینی نموده‌اند.

«اسماعیل سکاک» در بیان زیبایی حضرت عباس علیه السلام، خورشید را در مقابل زیبایی او ناچیز می‌شمارد:

اهل حرم وقتی سقا را / ماه بنی هاشم صدا می‌کردند / خورشید در چشمان او خود را  
کوچک ترو بی‌رنگ حس می‌کرد. (حضرتی، ۱۳۷۴: ۵۵.)

«مرتضی آل شرارة العاملی» حضرت در زیبایی چون ماهی می‌داند که چون برآید  
دیگر کسی به ماه آسمان نمی‌نگرد:

عباسنا قمرٌ، لو قد بدا قمرٌ فی جنبه فلما مالت له العنقُ

(سایت شعراء أهل البيت)

تعبیر یوسف گمشده فرات در شعر «محمد علی قاسمی» اشاره به همین زیبایی  
حضرت علیه السلام دارد:  
یوسف گمشده فتح فراتم چه شده است؟

بوی پیراهن آن عشق سبک بار چه شد؟  
از نگاه «ژولیده نیشابوری» زیبایی حضرت علیه السلام طعنه بر خسرو خاورزده است:

از دامن ام‌البنین ماهی به یثرب سرزده

کز حسن رویش طعنه‌ها بر خسرو خاورزده

«سعید العسلی» در تعابیری عاطفی و احساسی و با الهام از مظاهر طبیعت می‌گوید  
که عطر گل‌ها، زیبایی سبزه‌ها، نسیم درختان، مشک، یاسمن، شادی عروسی‌ها، زنبق،



اشک جام، همه و همه زیبایی و طراوت خود را از سیمای درخشان عباس علیه السلام به وام می‌گیرند:

عطرُ الورد ونفحُ زهرِ الآسِ      والاضرار ونفحة الأعراسِ  
والمسک والنفحات منه والشذى      والياسمين وفرحة الأعراسِ  
والزنبقُ المَوَّجُ فى حُلْمِ المُنَى      والإبتسامة مِن دموع الكاسِ  
مالذَّ منظرُها ولاطاب الحُلا      فيها ولا طهُرت من الأدناسِ  
الإذا أخذت محاسنَ زهوها      وجمالها مِن طلعة العباسِ

(عسلی، ۱۹۸۶: ۴۸۷)

#### ۲-۲-۴. سقای آب و ادب

نام حضرت عباس با آب پیوندی ناگسستنی دارد و هرجا آب است نام سقای تشنه لب هم است. این تشنه از فرات بازگشتن ارزشی به حضرت عباس بخشیده که قابل وصف نیست و جانبازی و فداکاری ایشان را تا ابد جاودان ساخته و این موضوع دست‌مایه هنرمندی شاعران شده است.

«سعید العسلی» مشک و آب درون آن را ارزنده‌ترین دارایی عباس می‌بیند:

إذ كان أغلى عنده من كل ما      فى الكون من ملكٍ ومن ثروات

(العسلی، ۱۹۸۶: ۵۰۶)

باید خاطر نشان کرد که تصویر آفرینی و بروز احساسات شاعرانه درباره مشک و سقا در شعر شاعران پارسی به مراتب بیشتر از شاعران لبنانی است و به عبارتی دیگر نگاه شاعران پارسی به ماجرای آب، با شاعران لبنان متفاوت است.

«سید محمد بوشهری» آب را حیران و متعجب از جان‌فشانی و وفاداری عباس علیه السلام

می‌بیند که با وجود تشنگی شدید لب به آب نزد:

دستت به آب لب نزد و لب به آب، دست      حیران نهاده‌ای به لب، انگشت آب را

با آب، دست و پنجه کمی نرم کرده‌ای      مالیده‌ای به خاک ادب، پشت آب را

(همو: ۲۹۵)

«خسرواحتشامی» علت این آب خوردن را سیراب بودن از جام امامت می‌داند:  
 بردفترزلالی شط، خط لاکشید لعلی که خورده بود ز جام امامت آب  
 (داغ تشنگی، ۱۳۷۴: ۷۵)

آری اگر این عاشقی عباس نبود، تاریخ بی‌عشق می‌ماند:  
 آب / اگر به لب‌های اومی رسید / تاریخ چه می‌کرد / بی‌عشق (گلمرادی، ۱۳۷۸: ۹۶).  
 «مرتضی آل شراره‌العاملی» در تعبیری زیبا و آمیخته با جناس و استعاره آب و وفاداری  
 را حیران‌کار عباس علیه السلام می‌داند:

وفوق الماء ألقى الماء شهماً فحاز الماء واندهش الوفاء  
 و در نگاه برخی شاعران فارسی اشتیاق و احتیاج آب به حضرت عباس، بیشتر از نیاز  
 ایشان به نوشیدن آب و رفع تشنگی است. «نصرالله مردانی» فرات را تشنه لبان عباس  
 می‌بیند، نه عباس علیه السلام را تشنه آب:

بود لب تشنه لب‌های تو صد رود فرات رود بی‌تاب کنار تو عطشناک گذشت  
 (مرکز پژوهش‌های ...، ۱۳۷۴: ۸)

یکی دیگر از تعبیری که در مقایسه با شاعران لبنان، فراوان در شعر شاعران ایرانی آمده  
 است «شرمنده بودن آب» است. «حسن احمدزاده» آب و ابر را شرمنده می‌بیند:

ای تشنه لبی که آب شرمنده توست تا صبح جزا، سحاب شرمنده توست  
 (مجاهدی، ۱۳۷۶: ۲۳)

«حسین اسرافیلی» در مضمونی مشابه فرات را خجل می‌یابد:

ای شکوه عشق، فخر کائنات ای خجل از نام تو شط فرات  
 (گلمرادی، ۱۳۷۸: ۲۰)

«محمد رضا سهرابی» با ساختن جناسی زیبا از واژه آب چنین می‌گوید:

بسیار گریست تا که بی‌تاب شد آب خون ریخت دیدگان و خوناب شد آب  
 از شدت تشنه کامی‌ات ای سقا آن روز ز شرم روی تو آب شد آب  
 (طاهریان، ۱۳۸۱: ۲۴۹)



## نتیجه‌گیری

در ارزیابی سروده‌های شاعران معاصر ایران و لبنان پیرامون دو قهرمان کربلا حضرت عباس علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام نکات زیرشایان ذکر است:

شاعران هر دو منطقه قسمت زیادی از سروده‌های عاشورایی خود را به توصیف این دو شخصیت بزرگوار اختصاص داده‌اند اما در مقیاس کلی و به طور مجموع شاعران معاصر ایران به لحاظ کتبی و کیفی بیشتر به این دو شخصیت عظیم پرداخته‌اند.

در مورد حضرت زینب علیها السلام شاعران دو منطقه به مواردی مثل شجاعت و بی‌باکی، یادآور علی علیه السلام بودن، اندوه و صبر حضرت علیها السلام اشاره کرده‌اند؛ افزون بر این گاه از نگاه سنتی فاصله گرفته و ظلم‌ستیزی و پیام‌آور بودن حضرت را به عنوان الگویی برای مبارزان دو سرزمین برجسته ساخته و از حضرت برای غلبه بر مستکبران و ستمکاران مدد جسته‌اند.

در مورد علم‌دار کربلا نیز شاعران هر دو سرزمین به مواردی مثل شجاعت، مقام والا و فضایل اخلاقی، زیبایی، ایثار و ماجرای آب نخوردن ایشان پرداخته‌اند. شایان ذکر است برخی اوصاف مثل زیبایی و اوصاف جسمانی در شعر شاعران ایرانی نمود و پرورش بیشتری دارد و شاعران این اوصاف را دست‌مایه تصویرآفرینی‌های شعری کرده‌اند؛ هم‌چنان‌که تعابیر استعاره‌ای و احساسی مثل «شرمنده بودن آب و فرات»، «گریستن فرات» و... در شعر آن‌ها نسبت به شاعران لبنان بیشتر به کار رفته است و شاعران ایرانی در این موضوع از تعابیر رسمی عبور کرده و رابطه احساسی و عاطفی با سقای تشنگان کربلا برقرار کرده‌اند.

## منابع

- الامین، حسن (۱۹۷۵م)، *دایرة المعارف الاسلامیة الشیعیة*، بیروت، مؤسسه عبدالحفیظ بساط.
- الامین، محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت، بی نا.
- ترکمانیان، حسین (۱۳۸۸ش)، *سیوی کر بلا*، مشهد، به نشر، چاپ اول.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۶ش)، *گنجشک و جبرئیل*، تهران، نشر افق، چاپ ششم.
- حضرتی، محمد علی (۱۳۷۴ش)، *خورشید برنیزه*، قزوین، انتشارات اسلامی قزوین.
- دلبری، حسن (۱۳۸۱ش)، *چشمان من جنون تماشا گرفته اند*، تهران، نشر آلف.
- رحمانی همدانی، احمد (۱۳۸۱ش)، *فاطمه زهرا، شادمانی دل پیامبر*، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- شکارسری، حمیدرضا (۱۳۷۵ش)، *باز جمعه ای گذشت*، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- طاهریان، امیر مسعود (۱۳۸۱ش)، *صبحدم با ستارگان سپید*، مشهد، به نشر.
- عدنانی ساداتی، عبدالمالک (۱۳۹۰ش)، *ناله های جانسوز عاشقان*، قم، بی نا.
- عسلی، سعید (۱۹۸۶م)، *ملحمة کر بلا*، بیروت، دارالزهراء، چاپ اول.
- فزوه، علیرضا (۱۳۸۶ش)، *من می گویم شما بگریید*، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ هفتم.
- گرمارودی، علی (۱۳۶۳ش)، *خط خون*، تهران، زوار.
- گلمرادی، شیرینعلی (۱۳۷۸ش)، *آینه در کربلاست*، تهران، انتشارات اهل قلم.
- مجاهدی، علی اکبر (۱۳۸۹ش)، *شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی*، قم، پیک جلال، چاپ اول.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۳ش)، *دانشنامه شعر عاشورایی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ دوم.

- مردانی، نصرالله (۱۳۷۷ش)، شعر/ربعین، تهران، نشر شاهد.
- مرکز بنیادهای فرهنگی بنیاد شهید (۱۳۷۴ش)، کاروانی از شعرهای عاشورایی، تهران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۴ش)، داغ تشنگی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- النقدي، جعفر (۱۳۶۱ق)، زینب الكبرى، نجف، المكتبة الحيدرية.
- نورالدین، حسن (۱۴۰۸ق)، عاشورای الادب العامی المعاصر، بیروت، الدار الاسلامیه.
- هاشمی، جواد و میثم کریمی (۱۳۸۹ش)، که بریندید محملها، تهران، شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- پایگاه شعراء أهل البيت، شاعران لبنان، اشعار حسن آل حطیط العاملی، عباس علی فتونی، مرتضی آل شرارة العاملی.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی